

بازآفرینی فرهنگ‌مدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تأکید بر گردشگری شهری^۱

بهناز امین‌زاده*

راحله دادرس**

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۸ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۵

چکیده

در این مقاله، تلاش شده است تا با بهره‌گیری از اصول گردشگری شهری، راهکارهایی برای بازآفرینی بافت‌های تاریخی کشور که به عنوان سرمایه‌های ارزشمند امروزه در مرکز توجه نهادهای شهری واقع شده‌اند، ارائه گردد. در این باره، از بازآفرینی فرهنگی به عنوان رویکردی اساسی تحقیق استفاده شده است. در این رویکرد، فرهنگ به عنوان یکی از سرمایه‌های اصلی شهر شناخته می‌شود. شهر تاریخی قزوین با برخورداری از بافتی تاریخی و واجد ارزش مرمت، حفاظت و نگهداری و با دارا بودن پتانسیل‌های بسیار مناسب تاریخی و جاذبه‌های گردشگری، امکانات توسعه فراوانی دارد؛ با این حال، در اثر برخی سهل‌انگاری‌ها و اقدامات بی‌ملاحظه و نیز عدم توجه به روند فرسودگی، علی‌رغم وجود طرح‌های متعدد، مشکلات بافت در سال‌های اخیر افزایش یافته است و نیاز به احیای فعالانه بافت را ضروری نشان می‌دهد. روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است و با اتکا به مرور پیشینه تحقیق از سویی، بررسی اسناد مربوط به بافت تاریخی قزوین و مطالعات میدانی از سوی دیگر، به تحلیل مسئله می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که راهکار برون‌رفت از مشکلات و احیای بافت‌های تاریخی ارزشمند در گرو اجرای برنامه‌هایی است که بر راهبردها و سیاست‌های تعاملی بین بازآفرینی فرهنگی و گردشگری فرهنگی شهری استوار است. رویکرد گردشگری فرهنگی نیز مانند بازآفرینی به نوبه خود از ابزار مؤثر در احیای بافت‌های تاریخی محسوب می‌شود. بالفعل‌سازی پتانسیل‌های بالقوه گردشگری و هویت تاریخی در رابطه‌ای مستقیم با یکدیگر، حیات واقعی و مدنی شهری را تضمین می‌کند. جهت تدقیق موضوع، کاربست راهبردهای پیشنهادی در طراحی بافت تاریخی قزوین مورد بررسی قرار گرفته است تا زمینه تحول و معاصرسازی یکی از بافت‌های ارزشمند میراث فرهنگی کشور فراهم گردد.

کلیدواژه‌ها

بازآفرینی فرهنگی، بافت تاریخی، حفاظت و توسعه، گردشگری فرهنگی، مرکز تاریخی قزوین.

۱. این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی با عنوان «ارائه اصول و راهکارهای طراحی مرکز تاریخی شهر قزوین، با رویکرد تعاملی گردشگری فرهنگی، حفاظت و بازآفرینی» است که در دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران انجام شده است.

* دانشیار دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، نویسنده مسئول / bgohar@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه تهران

پرسش‌های پژوهش

۱. چگونه می‌توان با استفاده از منابع اولیه محرک گردشگری شهری در بافت‌های تاریخی و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های نوین بازآفرینی، راهبردهایی برای حل مسائل موجود در بافت‌های تاریخی کشور یافت؟
۲. راهبردهای تعاملی بین بازآفرینی فرهنگ‌مدار و گردشگری شهری در بافت‌های تاریخی چیست؟
۳. سیاست‌های بازآفرینی بر اساس راهبردهای استخراج شده در بافت تاریخی قزوین چه می‌تواند باشد؟

مقدمه

فرآیند توسعه شهری و روند تغییرات بافت به‌ویژه در مناطق تاریخی و مرکزی شهرها دستخوش ایده‌های متنوعی در قرن اخیر بوده، که بر مبنای شرایط مکان و زمان و سیاست‌های توسعه شکل گرفته و با ایده‌های متفاوتی در سیر تغییرات خود مواجه بوده است؛ از جمله بازسازی شهری که بر تغییرات کالبدی مبتنی بر بازسازی و توسعه مناطق قدیمی شهرها تکیه دارد، در باززنده‌سازی شهری به تغییرات ساختاری و برخی اهداف اجتماعی توجه می‌شود. بازآفرینی شهری شکل کامل و جامعی از عمل و سیاست است و با تأکید بر اقدامات یکپارچه (Lichfield, 2000) و نیاز به مشارکت مردم، سبب بروز ایده‌هایی در زمینه توانمندسازی بافت می‌شود. تنوع و تعدد بافت‌های فرسوده و مؤلفه‌های گوناگونی که سبب ناکارآمدی بافت می‌شود، از یکسو، و پتانسیل‌های بافت و چگونگی استفاده از آن و نیز شیوه‌های تصمیم‌سازی و مداخله علی‌رغم داشتن هدف واحد توسعه درون‌زای شهر از سوی دیگر، رویکردهای مواجه با بافت‌های فرسوده و ارائه راه حل‌ها را متفاوت می‌کند.

اگر بازآفرینی شهری را دیدگاهی جامع و یکپارچه بدانیم که به تحلیل مشکلات بافت شهری می‌انجامد و از طریق پیشرفت وضعیت اقتصادی، کالبدی، اجتماعی، و محیط زیستی سبب احیای همه جانبه بافت می‌گردد (Roberts, 2003)، و مفاهیمی نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان‌بخشی شهری را در بر می‌گیرد. (Lichfield, 2000) بنابراین بازآفرینی شهری به عنوان اصلی‌ترین رویکرد مرمت و حفاظت شهری بر اساس تحلیل دقیق وضع یک منطقه هدف، تطابق هم‌زمان بافت کالبدی، ساختارهای اجتماعی، بنیان اقتصادی و وضع محیط زیست یک منطقه را دنبال می‌کند. در این پژوهش، از دیدگاه تعاملی «حفاظت از عناصر بارزش تاریخی» و «توسعه گردشگری فرهنگی شهری»، راهبردهای بازآفرینی استخراج و به عنوان سند هدایتگر، معرفی می‌گردد؛ بنابراین، اهداف مقاله حاضر به صورت زیر مطرح می‌شود:

- تبیین جایگاه «بازآفرینی فرهنگی» در امر «حفاظت از میراث» و «توسعه» بافت‌های تاریخی.
 - شناخت گردشگری فرهنگی به عنوان عامل مهمی در بازآفرینی بافت‌های تاریخی.
 - تدوین راه کارهایی برای تجدید ساختار کالبدی و فضایی مرکز تاریخی قزوین با رویکرد توسعه گردشگری.
- روش تحقیق در بخش مبانی نظری، تفسیری است و با مرور ادبیات تحقیق در زمینه‌های بازآفرینی و گردشگری سعی در تبیین نقش فرهنگ در تعامل بین آن‌ها دارد. در بخش مورد مطالعه با استفاده از برداشت‌های میدانی و تحلیل اسناد و طرح‌های فرادست و سایر منابع در دسترس، به کاستی‌های موجود در احیای بافت قدیم و ظرفیت‌های گردشگری شهر تاریخی قزوین می‌پردازد. در مرحله ترکیب اطلاعات نظری و مورد مطالعه، راهبردهای مبتنی بر اصل رویکرد حفاظت و احیا در بافت تاریخی قزوین ارائه شده است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. تبیین جایگاه «فرهنگ» در رویکرد «بازآفرینی»

نهادینه شدن «رویدادهای فرهنگی»، نقش مؤثری در تثبیت رویکرد «بازآفرینی شهری» داشته و به عنوان عاملی برای حفاظت از میراث ارتقای کیفیت محیطی، مرمت و بازآفرینی ساختار کالبدی، طراحی‌های جدید و هماهنگ با

ساختار قبلی و ورود به کارکردهای نو به ساختارهای جدید تبدیل شده است. در بازآفرینی فرهنگی، عامل فرهنگ به عنوان یک راهبرد توسعه‌ای بسیار مهم در مقیاس‌های محلی و جهانی مطرح است. (Bird et al, 1993) شهرهای اروپایی هم‌زمان با دگرگونی‌های اقتصادی در شهرها، فرهنگ را به عنوان ابزار و سرمایه مادی یک شهر مورد توجه قرار دادند. (Bianchini, 1993) اما از دهه ۱۹۹۰، انگاره «بازآفرینی فرهنگ مینا» و استفاده از «سرمایه‌های فرهنگی» به عنوان گزینه‌ای موفق در عرصه «مرمت و حفاظت شهری» مطرح شده است. (Kearns and Phi-1993) در این رویکرد، فرهنگ به عنوان عامل تسهیل‌گر و نیروی محرکه بازآفرینی معرفی می‌شود. استفاده از رویدادهای فرهنگی، و ایجاد «شهر - فرهنگ» و «شهر - رویداد» (Burgel, 2000)، که عوامل «خاطره‌ساز»، و «خاطره‌های جمعی» نقش مهمی می‌یابد و شهر مکان دائمی «انواع نمایش»ها و فعالیت‌ها می‌گردد و با ایده‌های دیگر در ارتباط است. (Landry, 1995)

در بازآفرینی فرهنگ، مبنای فعالیت‌ها و پروژه‌های توسعه فرهنگی سازگار با بافت تاریخی از یک سو و مرمت و حفاظت از میراث شهری از سویی دیگر، توأمأ مورد تأکید قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، مفهوم «توسعه» با مفهوم «میراث» همراه است. در این دیدگاه، از «میراث» به عنوان «ثروت» یاد می‌شود، تا جایی که تکیه بر «ثروت اجتماعی» و حفاظت از «میراث طبیعی» توأمأ در نظر گرفته می‌شود. (Smith, 2007)

به منظور اجرای اقدامات کالبدی در پروژه‌های بازآفرینی، تعیین مقیاس فضایی - کالبدی مهم تلقی می‌شود. این امر سبب بازتعریف عرصه حضور فرهنگ در شهر به عنوان محدوده‌های فرهنگی می‌شود. (Montgomery, 2003) بدین ترتیب، بازآفرینی فرهنگی در بسط دادن مفهوم بازآفرینی تعریف عرصه‌ها و محدوده‌های فرهنگی از اهمیت زیادی می‌تواند برخوردار باشد. بافت تاریخی و درونی شهرها به لحاظ دارا بودن قدمت، میراث کالبدی، زمین‌های مناسب با عملکردهای فرهنگی به عنوان مهم‌ترین بستر کالبدی - فضایی بازآفرینی فرهنگی محسوب می‌شود. (Smith, 2007) رویدادهای فرهنگی نیز بستر مناسب کالبدی - عملکردی را فراهم می‌سازد.

با این حال، آنچه در اشاعه فرهنگ در بطن بازآفرینی وجود دارد، با توجه به معنای فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای از باورها، دانش‌ها، معارف، آداب و رسوم و ارزش‌هایی که جامعه بر مبنای اعتقاداتش آن را تکامل می‌بخشد و بر اساس آن زندگی می‌کند، در گرو آن است که برنامه‌ریزان و طراحان بازآفرینی، قادر به انتخاب‌های مناسب از طریق مشارکتشان در فرآیندی باشند که بر باورهای زیر متکی است (Middleton and Freestone, 2008):

• **«نوآوری و بداعت»:** منظور از نوآوری، تفسیر «نو» از اصول اصیل فرهنگی و باورهای حقیقی است؛ در نتیجه «نوآور» به دنبال شناخت نیازهای حقیقی و انسانی استفاده‌کنندگان از فضاست و بین نیازهای انسان در محیط‌های جغرافیایی و خرده-فرهنگ‌های مختلف، تمایز قائل است و راه حل‌های یک مکان را به مکان دیگر تعمیم نمی‌دهد.

• **«تعاملات حرفه‌ای و اجتماعی»:** اجماع نظر از طریق گفتگو، فرآیندی غیرخطی است که می‌توان از طریق آن به ارزش‌های بنیادین و فرضیاتی که ادراک و فرهنگ جامعه آن را شکل می‌دهند، پی برد. منظور از گفتگو در اینجا فراتر از معنای متداول آن است و شامل بررسی ارزش‌ها و باورها می‌شود. در چنین فرآیندی، دانستن با کشف جایگزین می‌شود، جواب‌ها با سؤالات، قدرت با احترام و به اثبات رساندن یک نقطه نظر با بررسی احتمالات و نظریات مختلف.

• **«پاسخ‌گویی»:** پاسخ‌گویی با آگاهی از مسئله و نیاز آن به تصمیمات اخلاقی در یک بستر فرهنگی شروع می‌شود و تا آنجا پیش می‌رود که بر اساس اطلاعات بیشتر، واقعیات مشخص شود و بسته به موقعیت و زمینه محیطی/ فرهنگی تصمیم صحیح گرفته شود.

ایده بازآفرینی فرهنگ مینا نیازمند فرآیندی باز، پویا و تدریجی، و نیز نیازمند برنامه‌ریزی و بسترسازی است. افزایش میزان بهره‌برداری مفید از فضاها، کاهش میزان فرسودگی کالبدی، جذب سرمایه‌گذاری‌ها، اشتغال‌زایی، حفاظت و احیا از میراث تاریخی، گسترش گردشگری فرهنگی، از راه حل‌هایی است که هر یک به اقتضای ویژگی‌های فرهنگی و مکانی بافت فرسوده می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

اشاعه گردشگری فرهنگی به عنوان ابزاری کارآمد در امر «حفاظت از میراث» و «توسعه» در بافت‌های تاریخی

می‌تواند به عنوان راه حلی برای بازآفرینی فرهنگی محسوب شود که با توجه به ویژگی‌های بافت تاریخی و پتانسیل گردشگری بافت تاریخی قزوین به آن پرداخته می‌شود.

۲-۱. تعامل گردشگری شهری و بازآفرینی فرهنگی

سه دهه آخر قرن بیستم با جریانی در مرمت و حفاظت شهری همراه است که آن را می‌توان «تجدید نسل شهرها» نام نهاد. احیای ساختارهای کهن، برجسته‌سازی مکان‌ها و بازتولید خاطرات جمعی و کانون‌های تعلق خاطر، از جمله اولین اقدامات برای ایجاد کشش ذهنی به سمت محیط‌های تاریخی است که مقوله‌ای وسیع و پدیده‌ای نوظهور به نام گردشگری فرهنگی را مطرح می‌سازد. توجه به ترجیح گردشگران در جست‌وجوی مکان‌های منحصربه‌فرد، لزوم حفاظت از آثار فرهنگی و تاریخی و توجه به آثار مثبت رونق اقتصادی گردشگری، بستر ساز تقویت موضوع گردشگری فرهنگی است. نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته نشان‌دهنده نقش گردشگری فرهنگی در حفاظت از میراث‌های ارزشمند، گسترش روابط بین‌المللی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی ساکنان است. (Perarce, 2001, Ashworth & Tubridge, 2000) بدون در نظر گرفتن «فرهنگ» و «اجتماع»، دستیابی به پایداری و بازآفرینی یکپارچه، امری غیر ممکن تلقی می‌شود. در این میان، نقش «گردشگری» به عنوان استراتژی اساسی در بازآفرینی فرهنگی مطرح می‌شود. (Smith, 2007) به طور کلی، می‌توان گردشگری شهری را کنش متقابل گردشگران میزبان و بازدید از جاذبه‌ها و تسهیلات و خدمات مربوط به گردشگری با انگیزه‌های متفاوت گردشگر دانست که در بافت‌های تاریخی، این انگیزه به سوی کشف و شناسایی میراث‌های تاریخی و شیوه زندگی پیشینیان سوق می‌یابد. مهم‌ترین راهبردهای ارتقای جذابیت گردشگری فرهنگی در بافت‌های تاریخی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- احیای ارزش‌های فرهنگی، تاریخ و شیوه زندگی پیشینیان، رویدادها و خاطرات جمعی.
- ایجاد پیوند بین جاذبه‌های فرهنگی از طریق ایجاد گره‌ها و شبکه‌های گردشگری در شهر.
- احیا و گسترش محورهای فرهنگی و تاریخی و پهنه‌های گردشگری با در نظر گرفتن موقعیت قرارگیری جاذبه‌ها. در واقع، بازآفرینی فرهنگی به کاربران و عاملان ذی‌النفع و ذی‌النفوذ اهمیت خاصی می‌دهد و در تجدید حیات زیر ساخت‌های کهن، شکل‌دهی مجدد بافت‌های شهری، و نو شدن جریان‌های اقتصادی، از سرمایه‌های اجتماعی محلی سود می‌برد و از گردشگران و پتانسیل گردشگری به عنوان نیروی محرکه بازآفرینی استفاده می‌کند. جلب سرمایه و حضور مردم در بسیاری از شهرها به خصوص بافت‌های تاریخی به واسطه حضور گردشگر فرهنگی شهری تحقق می‌پذیرد؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری در بخش صنعت گردشگری شهری فرهنگی نه تنها اهداف اقتصادی مرمت و توسعه شهرها را برآورده می‌کند، بلکه به عنوان محرکی سازنده جهت بازآفرینی بافت‌های تاریخی و حفاظت از آثار و بافت‌های باارزش کاربرد دارد. (تقوایی، ۱۳۸۷)

در این زمینه، آشورت و توبریج (Ashworth & Tubridge, 2000) به منافع استفاده از منابع فرهنگی با حفظ کیفیت اشاره دارند. این امر در مقیاس خرد به اهمیت محیط اطراف آثار تاریخی و یادمانی در حفظ کیفیت آن‌ها و در مقیاس کلان به هویت و سیمای شهرهای تاریخی و مراکز تاریخی شهرها توجه دارد. تأثیر میراث فرهنگی (ابنیه بافت) بر تمامی فرآیندهایی است که شهر درگیر آن است؛ برای مثال، نحوه شکل‌گیری هسته قدیمی شهر و تکامل تدریجی آن به فرآیندها و ارزش‌های تاریخی‌ای بستگی دارند که باید در تمامی مراحل حفاظت و بازآفرینی مورد توجه قرار گیرند. تاریخ دارای ارزش تجربی بسیار مهمی است، حس محلی را در اجتماع تقویت می‌کند، هویت متمایزی به شهر و ساکنانش می‌دهد، و گردشگران را به سوی خود جلب کند.

در سال‌های اخیر، رویکردهای متفاوتی برای برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری سایت‌های تاریخی شهرها به کار برده شده است که هر کدام از تفاوت‌هایی در معیارهای انتخاب ابزار، اهداف و حتی حامیان خود برخوردار بوده است. به نظر می‌رسد هیچ مدل اجرایی و برنامه‌ریزی واحدی نمی‌توان برای چنین شهرهایی پیش‌بینی کرد. در اینجا بر اساس رویکردهای سه‌گانه آشورت و تنبریج در بافت‌های تاریخی (همان) جدول (۱) تهیه شده است.

جدول (۱): رویکردهای بازآفرینی فرهنگی برداشتی از (Ashworth & Tunbridge, 2000)

رویکرد	تمرکز بر	ملاک انتخاب	تشخیص توسط	هدف
تولیدات میراثی	صنایع دستی	بازاریابی	استفاده‌کنندگان	حفاظت از مشاغل سنتی، درآمدزایی
مرمت	ساختمان‌ها و سایت‌های تاریخی	کیفیت و قدمت سایت و یا بنا	متخصصان مرمت‌ابنیه	بقای ساختمان، حفاظت از میراث
حفاظت و احیا	فضاها، رویدادها	نقشه‌های فضایی، کیفیت و قدمت بافت	طراحان شهری	حفاظت و احیای بافت‌های تاریخی، احیای فرهنگ

کاربرد هر یک از رویکردهای فوق به ویژگی‌های مکانی، ساختار فضایی، و خصوصیات جامعه محلی آن وابسته است. در بسیاری از موارد، هر سه رویکرد به طور هم‌زمان به کار گرفته می‌شوند. با این حال، با توجه به موضوع تحقیق در اینجا تنها به رویکرد حفاظت و احیای بافت پرداخته می‌شود و راهبردهایی که سبب ارتقای هم‌زمان بازآفرینی فرهنگی و گردشگری شهری در این رویکرد می‌شود، به تفکیک موضوعات اقتصادی/ اجتماعی، کالبدی/ عملکردی، و معنایی، هویتی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

جدول (۲): راهبردهای حفاظت و احیا در تعامل بین بازآفرینی و گردشگری فرهنگی

راهبردهای تعاملی بازآفرینی و گردشگری فرهنگی	
عملکردی - کالبدی	<ol style="list-style-type: none"> ۱. معاصر سازی استخوان‌بندی اصلی و کهن شهر (نو شدن با اتکا به گذشته). ۲. تغییر بناهای متروکه و مخروبه (با پتانسیل طراحی و تخریب) به مجموعه‌هایی با نیازهای معاصر ساکنان و گردشگران. ۳. توجه به ارتقای جاذبه‌های گردشگری از طریق پیوند سه عنصر گردشگر، جذابیت‌های گردشگری اطلاع‌رسانی جاذبه‌های گردشگری. ۴. ارتقای جاذبه‌های گردشگری فرهنگی شهری از طریق قرارگیری استخوان‌بندی اصلی شهر یا حتی عناصر و ابنیه‌های متعلق به دوره‌های مختلف تاریخی در کنار هم. ۵. تداوم، ارتباط و اتصال میان فضاهای گسسته بافت به منظور ایجاد وحدت فضایی در بافت تاریخی.
معنایی - هویتی	<ol style="list-style-type: none"> ۱. استفاده از نمادها و نشانه‌های عملکردی و کالبدی جهت تداعی هویت تاریخی بافت. ۲. شناسایی بستر شهری (بافت تاریخی) در گردشگری فرهنگی شهری به عنوان مکانی جهت تبلور کالبدی عوامل جاذب گردشگری (میراث فرهنگی). ۳. ارتقای جذابیت‌ها از طریق تأکید بر لایه‌های تاریخی برای نشان دادن گذر زمان از دید ناظر و در نتیجه ایجاد تصویر ذهنی برای گردشگر بافت تاریخی. ۴. توجه به حس تعلق خاطر ساکنان در برنامه‌های حفاظت و توسعه گردشگری در محدوده بافت تاریخی. ۵. توجه به حرمت مکان‌ها و مراسم و سنت‌ها و هدایت گردشگران برای احترام به ارزش‌ها از طریق اطلاع‌رسانی مردم.
اجتماعی - اقتصادی	<ol style="list-style-type: none"> ۱. توجه به میراث فرهنگی به منظور حفظ و ارتقای حس هویت به عنوان ابزار توسعه جامعه محلی. ۲. ارزیابی راهبردها و سیاست‌ها با مشارکت دو سویه گروه‌های ذی نفع و ذی نفوذ. ۳. توجه به نقش مردم و تشکل‌هایشان جهت شناسایی اقدامات بازآفرینی طرح برای اجتماعات مردم. ۴. افزایش ظرفیت بازآفرینی و حفاظت شهری از طریق تشویق استفاده اقتصادی مؤثر در بناهای تاریخی. ۵. ارتقای سطح زندگی مطلوب اقتصادی و فراهم آوردن امکانات مناسب فرهنگی - آموزشی برای ساکنان.

در برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردهای فوق لازم است همواره موارد زیر به عنوان موضوعات تأثیرگذار بر بازآفرینی فرهنگی مبتنی بر توسعه گردشگری مد نظر قرار گیرد:

• **حفاظت و توسعه به عنوان یک رویکرد تلفیقی و مکمل هم:** نظر به سیر تکاملی سیاست‌ها و راهبردهای کلی حفاظت و توسعه و نتایج به دست آمده از مباحث نظری، نمونه‌های اجرا شده و موفق، و بیانیه‌ها و اسناد بین‌المللی، این دو رویکرد نیازمند حمایت یکدیگرند و به نظر می‌رسد می‌توان از گردشگری فرهنگی به عنوان مهم‌ترین نقطه مشترک حفاظت و توسعه بافت‌های فرسوده سود برد.

• **اهمیت میراث فرهنگی:** بناها و بافت‌های تاریخی، بخش عمده‌ای از بافت شهری معاصر را تشکیل داده و عناصر جاذب آن‌ها به عنوان میراث فرهنگی شهر، نیازمند حفاظت از عوامل فرساینده‌اند. علاوه بر این، فعالیت‌های فرهنگی و احیای رویدادهای فرهنگی از نقش و جایگاه مناسبی در بازآفرینی و جذب گردشگر در بافت‌های تاریخی برخوردارند.

• **پیوند بافت قدیم و جدید:** توسعه و بازآفرینی بافت قدیم وقتی می‌تواند به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و عملکردی سودمند باشد که در راستای حفظ و تقویت استخوان‌بندی اصلی شهر و ارتباط و پیوستگی آن با بافت‌های جدید باشد. این پیوند ساختاری و حمایت هر بافت از بافت دیگر، سبب انسجام شهر می‌شود.

• **منفعت ساکنان از آثار گردشگری در بافت:** با برنامه‌ریزی و مدیریت کارآمد و منسجم از سوی ارگان‌های

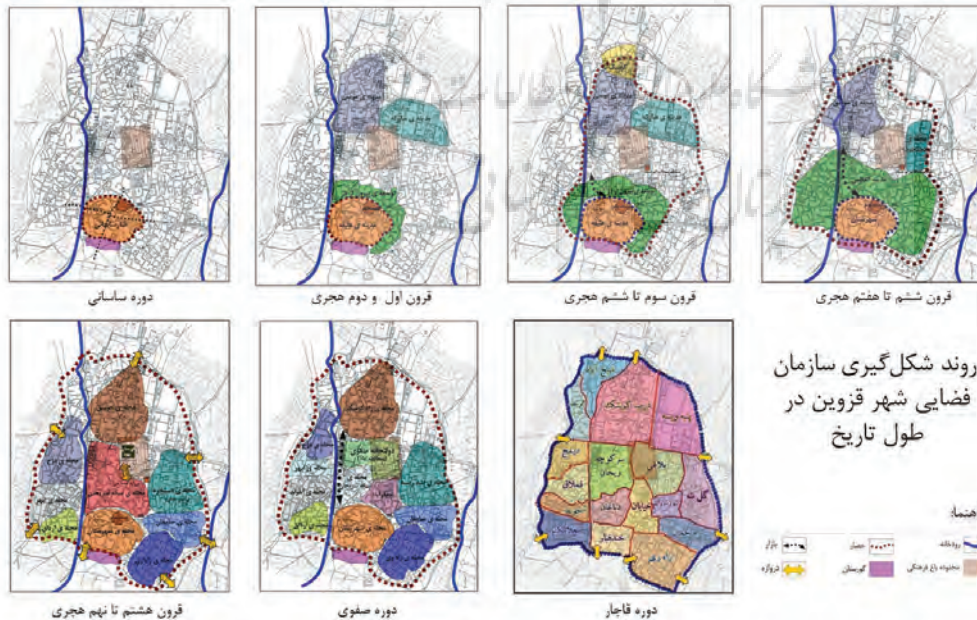
ذی‌ربط، نقش ساکنان بومی در طرح‌های بازآفرینی فرهنگی بسیار تأثیرگذار خواهد بود و در نهایت، باعث خودترمیمی بافت و ارتقای صنعت گردشگری توسط اهالی بومی از طریق مشارکت آن‌ها (گروه‌های ذی‌نفع) خواهد شد.

۲. بافت تاریخی قزوین

۲-۱. روند تاریخی توسعه شهر

ساختار و استخوان‌بندی فضایی و کالبدی بافت تاریخی شهر قزوین به عنوان مکان و بستر کاربری یافته‌های پژوهش ضروری است، زیرا در بسیاری از شهرهای تاریخی ایران از جمله قزوین، علی‌رغم وجود بافت تاریخی غنی و توان‌ها و جاذبه‌های گردشگری فرهنگی، شهر حداقل گردشگران را تجربه می‌نماید و با مشکلات بسیار در بافت فرسوده و تاریخی خود روبه‌روست.

شهر قزوین دارای میراث غنی و پیشینه تاریخی طولانی‌ای است. مطالعه روند تاریخی توسعه شهر قزوین (تصویر ۱) نشان می‌دهد که با دگرگونی ساختار کالبدی فضایی شهر، بافت محلات هم دچار تغییر و دگرگونی شده‌اند. بیشترین دخالت‌های کالبدی در اثر خیابان-کشی‌های بعد از دوران قاجار (شروع پهلوی اول) بوده که منجر به گسست پیوستگی فضایی میان محلات و مراکز تاریخی شده است. نقشه سال ۱۹۱۹ میلادی، اولین نقشه و عکس هوایی قبل از خیابان‌کشی‌های دوران پهلوی اول است که ساختار کالبدی و فضایی محلات و گذرهای اصلی در آن دیده می‌شود. این نقشه می‌تواند در کنار سایر نقشه‌های دوران‌های مختلف و به عنوان مبنایی جهت بازآفرینی ساختار کالبدی فضایی بافت تاریخی مدنظر قرار گیرد. حدود ۱۱ درصد وسعت شهر قزوین فعلی به محدوده تاریخی شهر اختصاص دارد. این محدوده که در تصویر (۲) نشان داده شده است، شامل بخش میانی بافت شهر بوده و توسعه شهر از دوران صفوی تا اولین اقدامات شهرسازانه رضاشاهی را در بر می‌گیرد. محدوده تاریخی شهر دربرگیرنده اغلب آثار تاریخی شهر قزوین از جمله بازار، مساجد، مدارس، سراها و کاروانسراهاست. شواهد و مدارک موجود، سیمای عمومی شهر قزوین و وجود آثار تاریخی متعلق به دوره‌های مختلف، گویای این امر است که شهر قزوین همواره در طول تاریخ رونق داشته و مرکز سکونتگاهی معتبری بوده است. وجود آثار ارزنده تاریخی باقی‌مانده از ادوار مختلف تاریخی و سازمان فضایی شهر (تصویر ۳)، جاذبه‌های گردشگری شهر افزایش داده است.



روند شکل‌گیری سازمان فضایی شهر قزوین در طول تاریخ

تصویر (۱): روند شکل‌گیری شهر قزوین در طول تاریخ (نگارندگان بر اساس سازمان میراث فرهنگی قزوین (۱۳۸۹))



تصویر (۳): نقشه سازمان فضایی شهر قزوین و بافت تاریخی



تصویر (۲): نقشه توسعه شهر قزوین از گذشته تاکنون (طرح محیط پایدار، ۱۳۸۴)

۲-۲. بررسی اسناد و طرح‌های فرادست در رابطه با بافت فرسوده شهر قزوین و گردشگری آن

با توجه به اسناد توسعه‌های فرادست شامل سند ملی توسعه استان قزوین، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و استان قزوین، طرح جامع گردشگری استان قزوین، طرح توسعه استان قزوین، طرح جامع شهر قزوین (۱۳۶۹)، طرح جامع در دست تهیه شهر قزوین، طرح راهبردی تفصیلی ویژه و طراحی شهری بافت مسئله‌دار (۱۳۸۴) مشخص می‌شود که رویکرد تلفیقی گردشگری و احیای بافت فرسوده در این طرح‌ها مورد توجه نبوده است؛ تنها در طرح جامع گردشگری استان، اشارات کوتاهی به بافت‌های فرسوده تاریخی میراثی به قرار زیر شده است:

- کشف و برجسته‌سازی ارزش‌های تاریخی، قومی و فرهنگی قزوین.
- توجه و تمرکز به شبکه دسترسی به عنوان بخشی از جاذبه‌ها و احیای راه‌های قدیمی و تاریخی.

مصاحبه حضوری با رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان و افراد ذی‌ربط و برخی مجریان طرح‌های نوسازی بافت تاریخی نیز نشان می‌دهد که بیشترین اقدامات میراث فرهنگی و سایر ارگان‌های مرتبط با طرح‌های مرمت شهری در قزوین منوط به مرمت و احیای تعداد محدودی از مجموعه‌های تاریخی بوده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- باغ فرهنگی دولتخانه صفوی با عناصر و بناهای تاریخی مجموعه
- مجموعه بازار قزوین شامل مسجد النبی، سرای وزیر، و مجموعه سعدالسلطنه
- سامان‌دهی خیابان سپه (کف‌سازی جداره‌سازی)
- سامان‌دهی محله آخوند
- سامان‌دهی مجموعه سردار

مهم‌ترین محور فرهنگی تاریخی پیشنهاد شده از امامزاده حسین شروع می‌گردد و از طریق مسجد جامع در امتداد محور خیابان صفوی (سپه) به درون باغ دولت‌آباد (دولت‌خانه) و از آنجا از طریق دو مسیر مجزا، یکی به بازار و دیگری به دروازه درب کوشک منتهی می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که عمده اقدامات مرمتی صورت گرفته در استان و شهر قزوین به اقدامات مرمتی و احیای تک‌بناهای تاریخی (خانه، گرمابه، حمام و آب‌انبار...) محدود بوده است.

در عین حال، به لحاظ پتانسیل‌های گردشگری و جمعیت گردشگر طبق آمار سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان قزوین، این استان در ابتدای سال ۸۹ از ۱۱۹۱۴۳ نفر گردشگر پذیرایی کرده است. در این میان، شهر قزوین شاهد رشد ۱۵ درصدی مسافران بوده است. به غیر از مسافران نوروزی، در ۶ ماه اول سال نیز حدود ۱۰۱۴۳۱ نفر گردشگر از قزوین بازدید کرده‌اند که از این تعداد، ۹۱۰۶ نفر گردشگر خارجی بوده‌اند. رشد گردشگری در شهر قزوین، میزان تمایل گردشگران به بازدید از فضاهای طبیعی، تاریخی و فرهنگی این شهر را نشان می‌دهد. بررسی طرح‌های مالکان راغب به انجام عملیات مرمت برای تبدیل آن‌ها به طرح‌های قابل اجرا در بافت تاریخی تا پایان سال ۱۳۸۷، ۱۱۹۷ اثر تاریخی بوده است که در میراث ثبت شده است. عمده این آثار در فاصله سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۷ شناسایی و ثبت شده‌اند که بعضی به مالکیت میراث درآمده‌اند و بقیه، مالکان خصوصی دارند و دارای سکنه‌اند.

۲-۳. سیاست‌های بازآفرینی فرهنگی در بافت تاریخی قزوین

اغلب اقدامات انجام شده در بافت قزوین با هدف نگهداری ساختمان‌ها و ابنیه تاریخی با هدف ابقای ساختمان‌ها و مرمت بنا بوده است. در اینجا با توجه به ویژگی‌های بافت تاریخی قزوین، سیاست‌های بازآفرینی و گردشگری فرهنگی در قالب رویکرد حفاظت و احیا که پیش‌تر بیان شد، در قالب تمرکز بر راهبردهای حفاظت و احیای رویدادهای فرهنگی و حفاظت و احیای فضاها و بناهای تاریخی بررسی می‌شود.

۲-۳-۱. سیاست‌های حفاظت و احیای رویدادهای فرهنگی

- حفظ و احیای مراسم و جشن‌های سنتی قزوین و فرهنگ‌سازی مراسم‌های سنتی مختص شهر قزوین از قبیل (مراسم پنجاه بدر، جشن فندق چینی و...) در جذب گردشگران داخلی و خارجی.
- برگزاری رویدادهای فرهنگی اعم از نمایشگاه‌های فصلی و سنتی، جشن‌های مختص کودکان در فضاهای مرمت و احیا، شده تاریخی به منظور آشنایی و فرهنگ‌سازی برای کودکان و نوجوانان.
- ارائه تسهیلات تشویقی به گروه‌هایی از اصناف و حرفه‌های خاص در ارائه محصولات سنتی در فضاها و مکان‌های تاریخی مرمت شده.

- استقراربخشی از محصولات صنایع دستی و مایحتاج اصلی شهر در مکان‌های تاریخی.

- ایجاد کاربری‌های فرهنگی مانند تئاتر، کتابخانه، سالن کنسرت، فرهنگسرا و نمایشگاه و پیش‌بینی جشن‌ها و مراسم و نمایشگاه‌های موقت برای فراهم آوردن انگیزه برای مشارکت گروه‌هایی از مردم و ارتقای فرهنگ گردشگری در بافت.

- بهره‌گیری از مشارکت مردم بومی در فعالیت‌های فرهنگی، هنری در تشویق و ارتقای سطح اقتصادی ساکنان بومی.
- ایجاد بخش‌های ویژه طراحی شهری مشارکتی در جهت افزایش مشارکت ساکنان و گردشگران در طرح‌ها از طریق جشنواره‌های هنری و فرهنگی.

- تأکید بر جاذبه‌های میراث فرهنگی شهر شامل عناصر مصنوع (ابنیه و بافت تاریخی) و عناصر طبیعی (باغات، لکه‌ها و مسیرهای سبز) از طریق گردهمایی، مراسم و نمایشگاه‌های ادواری، فصلی و سالانه در این مکان‌های جاذب گردشگر.
- ترکیب متعادل کاربری‌ها و تسهیلات ویژه گردشگر؛ از جمله ترکیب مراکز اطلاع‌رسانی، خرید، صنایع دستی، اسکان با کاربری‌های تفریحی فرهنگی گردشگری (نمایشگاه، موزه گالری، کتابخانه، خانه هنرمندان).

- تعبیه مکان‌های مناسب استقرار تابلوهای اطلاع‌رسانی بناها و فضاهای تاریخی و رویدادهای فرهنگی در ورودی محورهای گردشگری و دروازه‌های قدیمی مانند دروازه تهران قدیم، ورودی گذر تاریخی ری به شار ساسانی اولیه شهر و در مجموعه‌های تاریخی امامزاده حسین، دولت خانه صفوی، مجموعه‌های بازار قزوین.

۲-۳-۲. سیاست‌های حفاظت و احیای فضاها و بناهای تاریخی

- توجه به مناظر تاریخی / طبیعی از جمله کمر بند سبز باغ‌های سنتی قزوین برای برگزاری مراسم‌های سنتی و آیینی از قبیل سیزده به در، پنجاه به در، توت‌چینی.

- احیای مراکز مرحله‌ای، شار اولیه ساسانی شهر، گره‌های تاریخی و نیز ارتباط میان مجموعه بازار و دولت‌خانه صفوی با گره‌ها و مراکز محلات تاریخی و مجموعه سردار.
- احترام به ساختار و استخوان‌بندی اصلی شهر در تعریف شبکه‌ای پیوسته از مسیرها و گره‌های گردشگری در بافت تاریخی و در مقیاس شهر.
- حفظ استخوان‌بندی و پیوستگی فضایی (ریخت‌شناسی) در محدوده کل بافت تاریخی.
- مرمت نماهای جداره خیابان‌های اصلی و گذرهای تاریخی و بازگرداندن پیوستگی کلی آن‌ها و ایجاد وحدت و بازخوانی گذشته
- معرفی جاذبه‌های گردشگری موجود و به جریان انداختن پتانسیل‌ها و میراث ارزشمند گردشگری.
- تقویت و ارتقای دید به عناصر شاخص در راستای خوانایی محیط و جهت‌یابی گردشگران در مسیرهای پیوسته گردشگری و گره‌های تاریخی.
- ارتقای کیفیت تجربه فضایی شهر و خوانایی با استفاده از دروازه‌های تاریخی شهر و عناصر مرتبط با آن.
- بازنده‌سازی گره‌های تاریخی و ایجاد کانون‌های خدماتی متعدد و کوچک مقیاس در مراکز محله و زیر محله.
- لحاظ نمودن تغییرات کاربری بناهای فرسوده مسکونی و زمین‌های بایر و تبدیل آن‌ها به مراکز خدماتی و تسهیلاتی اقامتی گردشگران در محدوده حفاظت و مرمت‌شده تاریخی.
- احیای محلات و گذرهای تاریخی (ساختار فضایی و عملکردی اصلی بافت) و ایجاد وحدت و هماهنگی بین مجموعه‌های جدید و قدیم.
- تأمین دسترسی برای ورود وسایل نقلیه گردشگران و فضای پارکینگ عمومی و خصوصی در تلفیق با فضای سبز و در هماهنگی با محیط تاریخی.
- طراحی مسیریابی برای حمل و نقل عمومی که از دروازه ورودی و خروجی شهر شروع و به قطب تاریخی گردشگری نواحی دیگر برسند: مسیرهای دروازه تهران قدیم به مجموعه امامزاده حسین، میمون قلعه تا مسجد جامع، گذر محور صفوی سپه به مجموعه دولت‌خانه (به عنوان مرکز تاریخی قزوین).
- تأکید بر امتداد محورهای پیاده گردشگر به منظور حفاظت و بازآفرینی مکان‌ها و فضاهای تاریخی: از جمله گذر صالحیه امتداد راسته‌های بازار قزوین - مجموعه سعدالسلطنه، خیابان سپه و... به محدوده مرکزی بافت تاریخی (مجموعه دولت‌خانه صفوی). بارز نمودن مجموعه دولت‌خانه صفوی به عنوان گره اصلی در حرکت پیاده.
- تعیین مسیریابی با اولویت مسیر پیاده که قابلیت تبدیل به محورهای گردشگری را دارند: خیابان صفوی سپه خیابان تبریز- گذر صالحیه در ضلع غربی دولت‌خانه گذر فرهنگی - تاریخی از دروازه تهران قدیم تا امامزاده حسین دروازه تهران قدیم به شار اولیه ساسانی شهر.
- شکل‌گیری مجموعه‌ها و گره‌های شاخص تاریخی و جاذب گردشگر در محورهای گردشگری با تبعیت از استخوان‌بندی شهر مانند ارتباط میان مجموعه بازار و دولت‌خانه صفوی با گره‌ها، مراکز محلات آخوند و مجموعه سردار.
- اولویت حرکت پیاده بر سواره در طراحی مسیرهای پیشنهادی گردشگری در بافت تاریخی.

نتیجه‌گیری

برای احیا و به روز نمودن بافت‌های تاریخی، باید علاوه بر پاسخ‌گویی نیازهای مردم و زندگی روزمره، رجوع معنی‌داری به هویت تاریخی بافت شود. یکی از رویکردهایی که در سال‌های اخیر به عنوان ابزاری برای بازآفرینی بافت‌های تاریخی مورد استفاده قرار گرفته است، گردشگری فرهنگی شهری است. این رویکرد، راهی برای احیا و بهبود کیفیت زندگی شهری از طریق بهبود و توسعه خصوصیات ویژه تاریخی و جاذبه‌های فرهنگی مکان است. در بازآفرینی فرهنگی نیز کاربری‌های فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در بافت‌های فرسوده و به خصوص تاریخی، سبب توسعه و احیای فرهنگ خواهد شد. در مجموع بازآفرینی با هدف ارتقای گردشگری فرهنگی، می‌تواند از راه‌های متعددی به نوسازی اجتماعی و کالبدی بافت‌های تاریخی کمک کند، با جلب سرمایه‌گذاری در رشد و توسعه اقتصاد

محلی سهم داشته باشد، تغییراتی در نحوه مدیریت بافت‌های تاریخی ایجاد کند، پویایی و حیات مدنی را به بافت‌های تاریخی برگرداند و منظری از شهر را که نتیجه تعامل بین زمان، فرهنگ، اجتماع و کالبد است، به وجود آورد. راهبردها و سیاست‌های ارائه شده در این مقاله، زمینه و پایه مناسبی برای مداخله در بافت‌های تاریخی را فراهم می‌سازد که البته کاربرد آن در مکان‌های مختلف، نیازمند شناسایی خصوصیات منحصر به فرد بافت‌ها، ارزش‌های تاریخی و جاذبه‌های گردشگری هر مکان است. با استفاده از این رویکرد، تعامل بین بازآفرینی و گردشگری از یک سو، و حفاظت و توسعه از سویی دیگر ایجاد می‌شود.

منابع

- تقوایی، محمد، اکبری. ۱۳۸۷. *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری شهری*، اصفهان: پیام علوی.
- مهندسین مشاور طرح محیط پایدار. ۱۳۸۴. *طرح راهبردی تفصیلی ویژه و طراحی شهری بافت فرسوده (مسئله‌دار)*، شهر قزوین، تهران: مهندسین مشاور طرح محیط پایدار.
- Ashworth, G. J. ,Tunbridge, J. E. , (2000), *The Tourist - Historic City Respect & Prospect of managing the heritage city*, Pergamon, RYAN & PAGE, Oxford.
- Bird, J. ,Curtis, B. ,Putnam, T. , Robertson, G. and Tickner, L (eds) (1993), *Making the Futures: Local Cultures, Global Changes*, London and New York: Routledge.
- Bianchini, F. and Parkinson, M. (1993), *Cultural Policy and Urban Regeneration: The Western European Experience*, Manchester: Manchester University Press.
- Burgel, G. (2000), *Lavilleaujourd'hui*, paris: Hachette, Pluriel.
- Kearns, G. and Philo, C. (eds) (1993), *Selling Places: The Pastas Cultural Capital Past and Present*. Oxford: Pergamon Press.
- Lichfield, D. ,(2000) *The Context of Urban Regeneration*,in *Urban Regeneration*. Sage Publications Ltd.
- Landry,Ch. (1995), *The Art of Regeneration: Urban Renewal Through Cultural Activity*, Demos.
- Middleton,C. and Freestone, P. (2008), *The Impact of Culture - led Regeneration on Regional Identity in North East England*, Prague, Czech Republic.
- Montgomery, J. (1998), Making a City: Urbanity, Vitality and Urban Design, *Journal of Urban Design*, 3, pp. 93 116 -.
- Pearce, G. D, (2001), An Intergrative frame Work for Urban Research, *Annals of Tourism Research*, vol:28, No. 4, pp. 926 948 -, Pergamone, Britan.
- Roberts, Peter W. & Huge skyes, (2003), *Urban Regeneration: handbook*, London, sage.
- Smith, M. (2007), *Tourism, Culture and Regeneration*, UK, Oxford, Cabi Press.